

روند شکل گیری بسیج

قبل از صدور تشکیل بسیج و ارتش ۲۰ میلیونی از سوی امام خمینی (ره)، شرایط ذهنی و عینی برای چنین تشکیلاتی فراهم شده بود شرایط ذهنی را مسائل، حوادث و تهدیداتی که از سوی امریکا و ایادی داخلی ایجاد کرده بودند و غائله هایی که در کردستان، خوزستان، آذربایجان و ... بوجود آوردند و شرایط عینی را عمدتاً گروه های انقلابی بوجود آوردند که هر يك اقدام به آموزش سلاح و تاکتیک در میان مردم و جوانان کرده و برای یادگیری آنان کوشش نمودند. زمانی که زمینه نگرشی و کنشی به شکل اولیه و غیر منسجم در جامعه فراهم آمد، پیام انگیزاننده امام (ره) جای خود را باز کرد و استقبال پرشور قشر های مختلف خصوصاً جوانان به سوی بسیج صورت گرفت.

شکل گیری بسیج مردمی که با آموزش نظامی آغاز شد و در پرتو آموزش های نظامی، مردم برای تشکیل گروه های کوچک و محلی آماده سازی شد و با هدایت و رهبری غیر سازمانی و عمدتاً روحانی محل توانستند هسته های اولیه مقاومت را تشکیل دهند، هر چند فاقد رسمیت، مارک، تابلو، و حتی سلسله مراتب تشکیلاتی بوده است.

حجه الاسلام سالک در این زمینه توضیح می گوید:

“حین پیروزی انقلاب می بینیم حرکت بسیجی در ایران، شکل گرفت در قالب گروه های انتفاضه، یعنی قیام های مردمی، بعد این قیام ها تبدیل شد به کمیته های انقلاب اسلامی، حول محور مسجد از همان روز اول، قبل از فرمان امام، مساجد به محوریت روحانی، منطقه خودشان را در کنترل داشتند. در حفظ و حراست آن و امنیت و ناموس مردم، اموال مردم و اموال حکومتی، بعد این کمیته های انتفاضه گروه به گروه به هم پیوستند تا کمیته انقلاب اسلامی سازماندهی پیدا کرد. به نظر ما مقدمه يك حرکت بزرگ بنام بسیج بود. یعنی همان حرکت انتفاضه مردم و فرهنگ قیام مردم تبدیل شد به يك سازمان دهی و ما به آن حرکت انتفاضه می گوئیم و فرهنگ انتفاضه به فرهنگ مقاومت تبدیل شد. فرهنگ مقاومت در قالب انقلاب اسلامی در ایران شکل گرفت معنایش این شد که آموزش ببینند، مسلح بشوند، سازمان پیدا کنند و تجهیز بشوند و برای حفظ و حراست کشور آمادگی داشته باشند.” (مصاحبه اختصاصی با حجه الاسلام سالک مسئول اسبق واحد بسیج مستضعفین و نماینده ولی فقیه در نیروی قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی)

آقای سالک زمانی که مسئولیت فرماندهی سپاه پاسداران اصفهان را در سال ۱۳۵۸ بر عهده داشتند پیرامون چگونگی شکل دهی بسیج قبل از فرمان امام و هماهنگی با ارتش جمهوری اسلامی ایران در خصوص آموزش نظامی مردم توضیح می دهند و می افزایند: “ما با ارتش و مرحوم شهید صیاد شیرازی و شهید بابایی هماهنگی داشتیم و به این نتیجه رسیدیم که باید مردمی که تشنه انقلاب هستند، باید يك جا سازماندهی شوند و بیابیم بسیج را راه بیاندازیم. مصاحبه ای در تلویزیون اصفهان داشتم و از جوان ها و مردم خواستم که می خواهیم حرکت جدیدی را راه بیاندازیم و در قالب بسیج، آموزش دهیم در مسجد سید اصفهان، حدود ساعت ۴ بعداز ظهر، جمعیت کثیری آمدند و من در جلسه شورای فرماندهی سپاه اصفهان طرحی را تهیه و ارائه کرده بودم که مسئول آن طرح مرحوم شهید مهندس خلیفه سلطانی بود. هماهنگی لازم با پادگان های ارتش اصفهان را انجام داده بودیم و بسیاری از ارتشی ها در کنار ما در مسجد اصفهان حضور داشتند و با ماشین های ارتشی آمده بودند به مردم گفتیم ما با ارتش در زمینه آموزش نظامی شما هماهنگی کردیم با شهربانی و ژاندارمری هماهنگی کردیم تا برای حفاظت از انقلاب اسلامی آموزش نظامی ببینید. پس از سخنرانی استقبال زیادی شد در گوشه و کنار مسجد میز گذاشته بودیم تا از مردم ثبت نام به عمل آورند. بلافاصله پس از ثبت نام سوار ماشین های ارتشی (زیل) می شدند و به پادگان ها اعزام می شدند و غروب به منزل باز می گشتند. رفت و آمد مردم با ماشین های ارتشی بود. کلاس های ارتش مکان های آموزشی بود. غذا و پذیرایی به عهده ارتش بود و اساتید و مربیان و انواع سلاح، توپ، خمپاره و ... برای آموزش آماده بود و آموزش يك هفته ای را برای مردم تدارک دیدیم ... وقتی در شورای فرماندهی کل سپاه آن را طرح کردیم و سپس فرمان امام صادر شد، در شورای سپاه اصفهان و در سطح استان جشنی را برپا کردیم و همه شاد بودند که این حرکتی که انجام گرفت همان حرکتی است که خواسته امام (ره) است. سپس جلسه ای را با برادران ارتش گذاشتیم و از آنان تشکر کردیم گفتیم که خداوند مزد صدق و صفای باطن شما و صفای این مردم را در قالب ارتش بیست میلیونی به ما داد. احتمالاً در مشهد و جا های دیگر، شهرستان های کوچک به تناسب طبیعت و انقلاب اسلامی سازمان پیدا کرده بود. شك ندارم که ما در اصفهان به این نتیجه رسیدیم. بقیه جا ها هم باید با کم و زیاد سازمان پیدا کرده بود.” (همان منبع)

در هنگام شکل گیری ارتش بیست میلیونی یا ارتش مقاومت ملی که ۵ آذر ۱۳۵۸ آغاز می شود، سه جریان موازی و ناهماهنگ بوجود می آید که هر کدام نوعی تفکر و برداشت گزینشی یا بخشی از پیام امام (ره) را در سر لوحه کار خود قرار داده است.

جریان اول جریانی است که چند روز پس از فرمان، ستاد بسیج ملی را بوجود می آورد و به آن جنبه رسمی و قانونی می بخشد. این جریان از سوی بنی صدر (رئیس جمهور وقت ایران) اداره و هدایت می گردد که ستاد بسیج ملی در ۱۱ آذرماه ۱۳۵۸ تشکیل می شود. حجه الاسلام امیر مجد در تاریخ ۱۶ دی ۱۳۵۸ به سرپرستی ستاد بسیج ملی منصوب می شود و برنامه متنوع و گسترده ای از سوی این ستاد برنامه ریزی و اجرا می گردد. ستاد بسیج ملی در ساختمان سازمان دفاع غیر نظامی واقع در تهران، بلوار کشاورز، تقاطع فلسطین استقرار می یابد و با استفاده از نیروی انسانی این سازمان و سایر امکانات و اعتبارات آن آغاز بکار میکند که علاوه بر فعالیت های جاری سازمان دفاع غیر نظامی، در جهت تشکیل ارتش بیست میلیونی و گروه های مقاومت ملی فعالیت می کند.

جریان دوم جریانی است که نیروها و گروه های انقلابی با شنیدن پیام امام احساس تکلیف کردند و به آموزش و سازماندهی مردم پرداختند. عمده گروه ها و سازمان های انقلابی، آموزش سلاح و تاکتیک بوده که محور فعالیت ها در مساجد، حسینیه ها و اماکن محلی بود، مرکز آموزش مشخصی وجود نداشت. البته بصورت متمرکز در محل استقرار سازمان نیز آموزش تعلیم داده می شد. در گروه های انقلابی و نظامیانی که روحیه انقلابی و مردمی داشتند به طور اساسی دو هدف تعقیب می شد، هدف اول، آموزش کلیه مردم و جوانان برای حفاظت از انقلاب و آمادگی دفاع برابر فرمان امام (ره) و هدف دوم، جذب جوانان و مردم به تشکیلات انقلابی و سازمان متبوع خود بود. گروه های انقلابی بدون هماهنگی با یکدیگر و بدون ارتباط با سایر جریانات فعالیت مینمودند. البته ممکن بود غیر رسمی هماهنگی لازم با سازمان های دیگر به عمل آورده باشند ولی به طور سیستماتیک این هماهنگی و همکاری وجود نداشت. از همین جهت در یک محله یا روستا چند بار و از سوی دو یا چند گروه آموزش سلاح و تاکتیک داده می شد.

جریان سوم، جریان رسمی است که توسط سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به عنوان نهاد مردمی، انقلابی مورد تأیید مؤسس بسیج بوجود آمده بود. یعنی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در کنار فعالیت های فرهنگی، فعالیت های امنیتی، واحد آموزش را راه اندازی کرده بود که علاوه بر آموزش پاسداران، مسئولیت آموزش مردم را در سطح وسیع بر عهده گرفت. این جریان دارای رسمیت، سلسله مراتب، مکان و فضای آموزشی بوده است که هم در مساجد، محلات، حسینیه ها و مدارس فعالیت می نمود و اردو های یکروزه پایان دوره آموزشی را در مراکز آموزش ابتدایی که در اختیار داشت، تعلیم می داد.

جریان دوم، جریانی محدود و کوچک بود و خود از گروه های کوچک تر و فاقد ارتباط تشکیلاتی، تشکیل شده بود، محدوده عمل آن نیز اندک بود، از استعداد و توانمندی بالایی برخوردار نبودند، در نتیجه این جریان در رقابت با جریان اول جریانی مهمی به حساب نمی آمد، حمایت های خارجی سازمان از آنان به عمل نمی آمد و گروه های انقلابی، بدون ائتلاف و هماهنگی های سازمانی عمل می کردند، در نتیجه در آذرماه ۵۸ هر چه به سمت آغاز جنگ تحمیلی پیش می رویم، سیر نزولی را می بینیم، یعنی روند فعالیت این جریان، رشد کاهشی داشته است، زیرا حال و هوای انقلاب و نابسامانی های اوایل انقلاب، رفته رفته به سوی قانون مندی و ضابطه مداری حرکت می کند و زمینه فعالیت گروه های خود جوش کم می شود. عامل دیگری که باعث فروکش جریانی می شود این است که برخی از گروه ها انشعاب یافته و برخی دیگر با تغییر استراتژی و خط مشی سازمانی یا آموزش های مردم را کنار گذاشته اند و یا خود در مسیر مخالف جریانات و حرکت های مردمی قرار گرفته اند و در برابر انقلاب صف آرایی کرده اند.

“سخنگوی سازمان مجاهدین خلق نیز در این رابطه اظهار داشت؛ آنچه در رابطه با بسیج، خیلی مهم است محتوی و مضمون سیاسی آن است یعنی بسیج با چه انگیزه ای و برای مقابله با چه نظرات صورت می گیرد. وی افزود در همین رابطه زمانی که با حرکت قهرمانانه دانشجویان مسلمان پیرو خط امام و موضعگیری قاطعانه امام خمینی مبنی بر نفی هر گونه سازش و مصالحه با جنایتکاران آمریکایی شور ضد امپریالیستی – آمریکایی مردم، مجدداً اوج گرفت سازمان ما نیز با استفاده از تجارب مبارزاتی انقلابات دیگر و مشخصاً انقلاب فلسطین برای بسیج سیاسی – نظامی تمامی خلق طرح میلیشیایی مردمی یا چریک نیمه وقت را به اطلاع امت ایران رسانید.” (روزنامه کیهان – ۱۰۹۳۳ – ۱۳۵۸/۱۱/۳۰)

جریان اول و جریان سوم به دلیل ماهیت سازمانی که داشتند به رقابت و چالش پرداختند. جریان اول با برخورداری از نیروی انسانی غیر انقلابی یا کمتر انقلابی و وصل این سازمان به جریان لیبرال و جریان حاکم بر کشور (بنی صدر) معتقد بودند که ارتش خلقی ۲۰ میلیونی را بوجود آورند ولی در مقایسه با سایر ارتش های مردمی این رقم را غیر قابل تحقق و غیر واقعی می دانستند. آموزش های نظامی در کنار سایر فعالیت ها به ویژه فعالیت های غیر نظامی مطرح بود و پیروی از اصول و مبانی اسلام و انقلاب بسیار کمرنگ مشاهده می شد.

جریان سوم با ویژگی هایی که بیان شد، مصمم بود فرمان بنیانگذار جمهوری اسلامی باید محقق شود، هر چند نسبت به جریان اول از استعداد و پتانسیل مادی اندکی برخوردار بود و اراده انقلابی آنان، باعث گردید به رقابت با جریان اول بپردازد و این رقابت تا زمان جنگ تحمیلی یعنی ۳۱ شهریور سال ۱۳۵۹ ادامه داشت.

جریان اول و سوم و اندکی از جریان دوم ضمن داشتن رقابت مثبت و منفی، بایکدیگر ارتباط تشکیلاتی داشتند که محوریت این ارتباط و هماهنگی ها به عهده ستاد بسیج ملی بود. یعنی جریان اول در طی مدت آذرماه ۱۳۵۸ الی آغاز جنگ تحمیلی، جریان مسلط بسیج و تحقق ارتش بیست میلیونی بود. چند روزی از معرفی سرپرست ستاد بسیج ملی نمی گذرد که نمودار تشکیلاتی ارتش مقاومت در روزنامه بامداد منتشر می شود که حاوی نحوه سازماندهی اعضای گروه های مقاومت بسیج است که هر گروه مقاومت مرکب از ۲۲ نفر رزمنده است هر گروه به دو واحد رزمنده و پشتیبانی تقسیم می شود و هر واحد از دو تیم الف و ب تشکیل شده که هر کدام مرکب از ۵ نفر هستند.

ستاد بسیج ملی در ۱۸ دی ماه ۱۳۵۸ گزارش فعالیت خود را در روزنامه جمهوری اسلامی منتشر می کند که به مسائلی چون تشکیلات سازمانی، فعالیت های غیر نظامی، بسیج در تلویزیون، فعالیت های سپاه پاسداران، طرح ارتش، فعالیت های مستقل مردم، تمرین رزم شبانه در منطقه ۱۳ آبان تهران و... می پردازد که به شکل مصاحبه با حجه الاسلام امیر مجد (سرپرست ستاد بسیج ملی) سرگرد قرقی، نماینده ارتش جمهوری اسلامی ایران و سنجی نماینده سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و حسینی مسئول روابط عمومی ستاد بسیج ملی در محل ستاد بسیج ملی صورت می گیرد.

در تاریخ ۳۰ بهمن ۱۳۵۸ که آغاز هفته بسیج اعلام شده است، ۱۸۰۰۰۰ نفر آموزش نظامی ستاد بسیج را دیده اند که از بین این عده ۶۰۰۰۰ نفر دوره آموزش تشریحی نظامی را نیز گذرانده اند و به مقام سر گروه ارتقاء یافته اند. (روزنامه کیهان - ۱۰۹۳۳ - ۵۸/۱۱/۳۰)

سه روز قبل از این تاریخ یعنی ۵۸/۱۱/۲۷، در روزنامه جمهوری بیان می شود که:

“ در اجرای فرمان رهبر انقلاب، فرمانده کل قوا امام خمینی مینی برتشکیل ارتش ۲۰ میلیون نفری مرکب از همه اقشار جامعه، ستاد بسیج ملی ایران با همکاری نمایندگان سازمان های نظامی و انتظامی، نهاد های انقلابی و سازمان های کشوری تحت نظارت شورای انقلاب، تشکیل و مأموریت یافته است که با ایجاد ارتش مقاومت تمامی نیرو های مردمی را در سطح کشور برای دفاع از سرزمین ایران و مقابله با قدرت های متجاوز به ویژه امپریالیسم جهانی به سرکردگی آمریکا بسیج نماید. ارتش ۲۰ میلیونی مقاومت مرکب از تمامی نیرو های مردمی با سازماندهی، آموزش و طرح ریز های اصولی قادر است مأموریت های ششگانه را متناسب با عملکرد تجاوز کارانه دشمن به انجام رساند. ” (روزنامه جمهوری اسلامی، ۲۱۱-۵۸/۱۱/۲۷)

مأموریت شش گانه ارتش مقاومت عبارت از :

۱- مقابله با جنگ روانی دشمن

۲- مبارزه با ستون پنجم

۳- مبارزه با خرابکاری عوامل دشمن

۴- پشتیبانی از عملیات منظم

۵- شرکت در جنگ فرسایشی

۶- کاهش خسارات ناشی از حملات هوایی دشمن

سپاه پاسداران انقلاب اسلامی نیز پس از صدور فرمان امام (ره) ابتدا ستاد هماهنگی آموزش عمومی مردم را در سپاه پاسداران انقلاب اسلامی تشکیل می دهد که وظیفه ستاد ارائه طرح های کوتاه مدت و بلند مدت آموزشی است و اندکی پس از تشکیل ستاد هماهنگی، واحد بسیج در سپاه پاسداران تأسیس شد. این واحد به صورت پراکنده و غیر منسجم در شهرستان ها به امر آموزش و سازماندهی مردم می پردازند و در سال ۱۳۵۹ واحد بسیج به صورت رسمی و متمرکز در مرکزیت سپاه پاسداران شکل می گیرد.

“ سنجی نماینده سپاه پاسداران می گوید: بلافاصله بعد از فرمان امام ستاد هماهنگی - آموزش عمومی را تشکیل دادیم و طرح کوتاه مدتی در اجرای خواست امام داشتیم که آموزش هایی شامل دوره های مقدماتی، متوسطه و عالی را پیاده کنیم. به عنوان طرح بلند مدت نیز تصمیم گرفتیم ارتش ۲۰ میلیونی را با یکسان کردن تدریجی کار کسانی که آموزش های طرح کوتاه مدت را دیده بودند و با همگام کردن آن ها تشکیل دهیم. در حین کار با طرح مشابه ارتش جمهوری اسلامی مواجه شدیم و سعی کردیم طرح های مختلف را زیر پوشش ستاد بسیج ملی ایران یکی کنیم. آموزش ها شامل دوره های تئوریک و تشریحی و دوره های عملی است که در مساجد، کارخانجات، ادارات دولتی و خصوصی و مدارس و در دفا تر سپاه پاسداران ارائه می شود و تا به حال با تشکیل حدود ۵۰۰ کلاس در تهران و چند هزار کلاس در شهرستان ها، صد ها هزار نفر آموزش های تئوری و عملی را دیده اند. ” (روزنامه جمهوری اسلامی - ۱۸۲ - ۵۸/۱۰/۱۸)

روند آموزش های ارتش ۲۰ میلیونی در ستاد بسیج ملی و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ادامه پیدا می کند که با کلاس های آموزش نظامی و همچنین تعلیمات سرود های انقلابی، آموزش های کمک های اولیه پزشکی، انجام مانور و تشکیل گروه های رزمی و گروه های مقاومت فعالیت ها افزایش می یابد. در ۱۰ شهریور ۱۳۵۹ ستاد بسیج ملی به سازمان بسیج مستضعفین تغییر نام می دهد.

“با توجه به اهداف مقدس انقلاب اسلامی و لزوم جهانی شدن مبارزات رهایی بخش مستضعفین و رسالت ارتش ۲۰ میلیونی در شکستن مرز های نظامی، فرهنگی، اقتصادی مبارزات برای جهانی کردن انقلاب مقدس اسلامی ایران، سازمان بسیج ملی و ارتش ۲۰ میلیونی مقاومت از این تاریخ بنام سازمان بسیج مستضعفین و ارتش رهایی بخش مستضعفین تغییر نام می یابد. بدیهی است و ازه مستضعفین بهترین عنوان ممکن و منطبق با اهداف مکتبی ارتش ۲۰ میلیونی است.” (روزنامه کیهان - ۱۱۰۸۳-۱۰/۶/۱۳۵۹)

در سپاه پس از اینکه ستاد هماهنگی آموزش های عمومی بلافاصله پس از صدور فرمان حضرت امام (ره) با حضور نمایندگان از واحد های مختلف ستاد مرکزی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی تشکیل شد که مسئولیت آموزش نظامی مردم را بر عهده داشت، اقدام به ثبت نام و آموزش آحاد مردم کرد. این ستاد که به نظریه رسد در ارتباط با واحد آموزش سپاه بوده است پس از مدتی با تشکیل واحد بسیج در سپاه تغییر وضعیت می دهد و مسئولیت آموزش مردم به عهده واحد بسیج می افتد. هر چند اطلاع دقیقی در دست نیست که چه تاریخی واحد بسیج در سپاه پاسداران انقلاب اسلامی تشکیل شده است. اما به نظر می رسد در نیمه اول سال ۱۳۵۹ این واحد راه اندازی شده و به طور دقیق تر می توان گفت در سه ماهه اول سال ۵۹ شکل گرفت.

در نشریه دوهفته نامه پیام انقلاب که در دی ماه سال ۵۹ منتشر شده است در این زمینه آمده است :

“ الف - ایجاد مناطق هشتگانه بسیج در تهران: در مدتی کمتر از ۱۵ روز از صدور فرمان امام، ستاد هماهنگی آموزش های عمومی ” توانست ۸ مرکز تعلیماتی در هشت منطقه تهران ایجاد نماید. کلیه آموزش های بسیج در تهران از طریق این مراکز به داوطلبین آموزش های نظامی عرضه می گردد. لازم به تذکر است که آدرس و شماره تلفن های این مراکز از طریق وسایل ارتباط جمعی در اختیار عموم قرار گرفت. در ابتدای کار حدود ۳۰۰ نفر مربی آموزشی با حکم رسمی مربیگری در این مراکز شروع بکار نمودند. این عده آموزش های نظامی را بر طبق ضوابط خاصی به داوطلبان متعهد ارائه می دادند که شرح آن در زیر خواهد آمد.

ب- انتشار دستور العمل های آموزشی: ...

ج- ارائه آموزش های همگانی (مرحله اول): ...

د- آموزش پیشرفته (مرحله دوم) ... ” (پیام انقلاب - دی ماه ۱۳۵۹، ص ۷۶-۷۵)

این نشریه می افزاید:

موضوعی که در اینجا ذکر آن لازم به نظر می رسد: استقبال بی شائبه و دور از وصفی است که توده های مستضعف و انقلابی کشورمان از فرمان امام به عمل آوردند به قسمی که یکباره سیلی از داوطلبان فراگیری آموزش های نظامی به سوی مراکز سپاه پاسداران انقلاب اسلامی سرازیر گردیده و در ظرف همان روز های اولیه حدود یک میلیون و دویست هزار نفر از مردم غیور این سرزمین در واحد های سپاه در سراسر کشور ثبت نام نمودند. بدیهی است که سپاه به علت محدودیت امکانات آموزشی، تسلیحاتی و تدارکاتی خویش به هیچ وجه نمی توانست که این نیاز عظیم را به یکباره پاسخگو باشد.

از نظر ساختاری، بسیج یک واحد مرکزی و هماهنگی در سطح کشور نداشت، بلکه به تناسب جغرافیا، فرهنگ، اعتقادات و ارتباط فرمانده سپاه و بسیج با سایرین دارای شکل ها و شیوه های متفاوت بوده است یعنی در برخی مناطق هماهنگی کافی وجود داشت و حتی روابط بین بسیج ملی و واحد بسیج، روابط مناسب و مفیدی بود و در برخی مناطق ناهماهنگی زیادی بین این دو سازمان و نیز با سازمان های دیگر وجود داشت.

“ وضع بسیج در استان های مختلف بسیار متفاوت بود و یک جور و یک اسوه نداشت بستگی به نحوه روابط بسیج و اعتقادات فرمانده و مردم منطقه و افرادی که آنجا مسئول شده بودند، کاملاً متفاوت بود. در بعضی جا ها اعتقاد به بسیج وجود داشت و ابتکاراتی به خرج داده بودند و این جوری نبود که یک بسیج متحد الشكل را در سطح کشور داشته باشند و در همان زمان قبل از جنگ، ما در اصفهان، بسیج مدارس یا همان بسیج دانش آموزی داشتیم که مرکزی داشت که جای انجمن ایران و آمریکا بود و آنجا را گرفته بودند. به عنوان کانون فرهنگی در مدارس و کلاس های ورزشی هم می گذاشتند یا در استان مازندران بسیج خیلی گسترده شده بود به واسطه اعتقادی که مردم آنجا و روابط خوبی که بین آنان وجود داشت و در جاهایی هم روابط تیره بود و کار توسعه پیدا نکرد. در جاهایی مثل شمال غرب، بسیجیان از همان ابتدا کارکرد امنیتی و نظامی مستقل و خارج از چارچوب رزم داشتند. پایگاه های عملیاتی با نیرو های مردمی یا نیرو های بسیجی یک مأموریت اجرا می کردند. ” (مصاحبه با سردار حجازی)

در این زمان یعنی نیمه اول سال ۱۳۵۹ چالش بین جریان اول و جریان سوم بیش تر شد تا اینکه جنگ تحمیلی آغاز شد و در جنگ تحمیلی هر دو جریان تلاش کردند تا نیرو های بسیج شده را برای حضور در جبهه جنگ اعزام نمایند. البته قبل از آغاز جنگ تحمیلی اعزام بسیجیان و پاسداران به منطقه کردستان، از سوی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی انجام می شد و با آغاز جنگ اعزام بسیجیان و پاسداران رونق بیشتری به خود گرفت. از سوی دیگر تعداد کمتری از طریق ستاد بسیج ملی به جبهه اعزام می شدند و عده ای نیز از طریق گروه های انقلابی با ماهیت اسلامی، مذهبی و ملی مذهبی اعزام جبهه ها می شدند که تحت فرماندهی شهید

بزرگوار دکتر مصطفی چمران سازماندهی و بکارگیری می شدند که خدمات ارزشمندی را در آغاز جنگ انجام داده اند.

ظاهراً در شب های اولیه جنگ تحمیلی، مانوری از سوی ستاد بسیج ملی در تهران انجام گرفت که با مسئولیت حجه الاسلام امیر مجد سرپرست سازمان بسیج مستضعفین و همکاری ارتش جمهوری اسلامی ایران انجام می گیرد. آقای رحمانی به عنوان خاطره ای تلخ نقل کرده اند که خلاصه آن بدین شرح است: (مصاحبه با حجه الاسلام رحمانی)

ایشان (مجد) با ارتش هماهنگ کرده بود تا شبی را بایک مانور و آماده سازی در تهران و سراسر کشور و به ویژه جماران اجرا کند آن شب حادثه ناگوار پیش آمد. اولاً پرواز هواپیما و شکستن دیوار صوتی در جماران، بدون اطلاع مردم جماران و بدون اطلاع و در نظر گرفتن شرایط حضرت امام (ره) بود، چراغ ها را خاموش کردند، غرش هواپیما بسیار ناگهانی بود، ما احتمال دادیم آمریکا یا عراق حمله کرده است چون اقدامات مرزی از سوی عراق انجام شده بود. رفتیم خدمت حاج احمد آقا و با هم خدمت امام رفتیم و گفتیم اجازه دهید، برویم زیر زمین حسینیه که امام فرمودند من جایی نمی روم، تأثیر منفی دارد، ما نگران سلامتی ایشان بودیم حاج احمد آقا گفت این قانون در جنگ است که اعلام می کنند، آژیر می کشند باید به پناهگاه بروند، اگر شما نروید. احدی در اینجا به پناهگاه نمی رود شما راضی هستید که اتفاقی بیافتد، امام فرمودند پس برویم، رفتیم، پایین زیر زمین هنوز درست نشده بود، یعنی پله نداشت، یک طرف زیر بغل امام را من گرفتم و طرف دیگر را حاج احمد آقا گرفتند، سه تا الوار (تخته چوب) گذاشته بودیم و روی چند تا بشکه، سراسیمه خطرناکی بود، از این مرحله خطر رد شدیم، دوباره الوار آوردند تا از روی آن به زیر زمین برویم، وقتی رسیدیم، گفتیم چراغ ها باید خاموش شود که امام مخالفت کردند و بعضی از بستگان امام چیزهایی گفتند تا اینکه فرمودند این چراغ را خاموش کنید. چند نفر آمدند یک بشکه ای گذاشتند و رفتیم بالا تا چراغ را خاموش کنیم. چراغ مدت ها (از زمان ساخت تا این زمان) خاموش نشده بود، لامپ بزرگ ۵۰۰ بود با دست چراغ را گرفتم که باز کنم، زنگ زده، بود و بسیار داغ بود. دستم سوخت به طوری که پوست دست دود شد و به هوا می رفت. امام یک لحظه چشمشان افتاد و خیلی ناراحت شد. فرمودند آقا دستت می سوزد، ولش کن. به جهنم، روشن بماند، دستم را ول کردم. آقا فرمودند دستتان را ببینم. گفتم طوری نشد آقا گفتند دود به هوا می رود، شما می گوئید چیزی نشده، بعداً حاج احمد آقا فرماندهان ارتش را احضار کرد و برخورد شدیدی با آنان داشت و به آقای مجد گفتند حاج احمد آقا از تو دست بردار نیست تو با جان امام بازی کردی.

مصاحبه با شخصیت های متعدد حاکی از آن است که:

الف - سازمان بسیج مستضعفین با جریان لیبرال همسو بوده و ضمن ارتباط نزدیک با بنی صدر (رئیس جمهور وقت) و سازمان مجاهدین خلق، در مسیر مخالف جریان اصلی انقلاب قرار گرفته است.

ب- آنچه که امام (ره) در مورد بسیج فرموده اند با آنچه که از سازمان بسیج مستضعفین به اجرا در می آمد فاصله ای بسیار داشت و حتی عده ای آنرا مغایر فرمان حضرت امام می دانند.

ج- عدم توجه به مسائل اخلاقی و شرعی در آموزش نظامی خواهران بخصوص که از سوی مریبان (نظامیان) آموزش ارائه می شد.

د- عدم توجه به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و آموزش های ارائه شده از سوی این نهاد به آحاد مردم که در حقیقت نقش محوری داشته است و دلایل دیگر نشان می داد که سازمان بسیج مستضعفین در مسیر اصلی انقلاب اسلامی قرار ندارد.

“ در این فاصله پیروزی انقلاب تا زمانی که ایشان فرمان بسیج مستضعفین و ارتش بیست میلیونی را دادند، این تفکرات فقط تفکر نبود. توی محافل ماهم مطرح می شد، همانطوری هم که شما (مصاحبه کننده) گفتید، همان آقای مجد را آقای بنی صدر گذاشته بود برای همانطور افکار، دنبال اینطور چیز ها بود. هرکسی به فکر افتاده بود که از زاویه خودش آن وفادارانش را در جامعه تشکیلات بدهد و سربازگیری کند از توده مردم، حالا بعضی ها فکر می کردند که این توی کارگر ها می شد این کار را کرد و بعضی ها فکر می کردند توی روستا ها می شود. بعضی ها فکر می کردند قومیت ها می شود و همه تفکرات از این رو بود، این تعبیرات بسیج بعد از انقلاب خیلی زیاد هست، این کاری که امام کردند. اینطور نبود که آن ها منصرف شده باشند. آن ها فهمیدند که زمینه کارشان از بین رفته است دیگر با آن وسعت نمی توانند کار کنند و مثل خود انقلاب شد یعنی همانطور که اکثریت مردم با امام (ره) بودند. توی بسیج هم همینطور بود.

هر کسی می خواست در گوشه ای بسیجی داشته باشد، این دیگر گوشه ای بود، گروهک بود، بسیج نبود، این تفکرات بود تا زمانی که به مجلس آمد، دیگر پایان کار بود. ” (مصاحبه با آیه الله هاشمی رفسنجانی)

در تاریخ ۱۳۵۹/۷/۱۷ از سوی عده ای از نمایندگان مجلس شورای اسلامی طرح قانونی ادغام سازمان بسیج مستضعفین در سپاه پاسداران انقلاب اسلامی تهیه و به مجلس شورای اسلامی تقدیم می شود که به کمیسیون امور دفاعی ارجاع گردید. در این کمیسیون و نیز کمیسیون امور داخلی مورد رسیدگی و بحث قرار گرفت. در جلسه ۵۷ مجلس شورای اسلامی دو فوریت طرح و اگذاری و وظیفه بسیج مستضعفین به عهده سپاه پاسداران رد

مي شود. ” (روزنامه رسمي – مذاكرات جلسه علني مجلس شوراي اسلامي – جلسه ۵۷ – شماره ۱۱۵۴۹، ص ۲۲)

پس از اصلاحات در جلسه كميسيون مشترك امور دفاعي و داخلي به تصويب مي رسد و در جلسه ۷۶ به بحث گذاشته مي شود كه به علت ناتمامي به جلسه روز بعد يعني جلسه ۷۷ (سه شنبه مورخ ۵۹/۹/۱۱) موكل مي شود كه در جلسه، نماينده سپاه پاسداران انقلاب اسلامي (برادر محمد زاده) و رئيس سازمان بسيج مستضعفين (آقاي مجد) صحبت كردند كه با كليات طرح ادغام موافقت كردند. (روزنامه رسمي – مذاكرات جلسه علني مجلس شوراي اسلامي – جلسه ۷۷ – شماره ۱۱۶۴۶، ص ۳۱-۲۷) اين قانون با سه ماده در ۵۹/۱۰/۲۸ به تصويب مجلس شوراي اسلامي رسيد و شوراي محترم نگهبان آنرا تأييد كرده است. وقتي كه در دي ماه سال ۵۹ به تصويب مجلس شوراي اسلامي رسيد و شوراي نگهبان آنرا تأييد كرد. سپاه موظف شد واحد بسيج مستضعفين را تشكيل دهد و مسئوليت آموزش و سازماندهي مردم را بر عهده گيرد. يعني مسئوليت اصلي و قانوني بر دوش سپاه نهاده شد كه سپاه پاسداران انقلاب اسلامي در اسفند ماه، حجه الاسلام احمد سالك را به عنوان سرپرست واحد بسيج مستضعفين منصوب كرد.

ماخذ : سايت www.Basij.ir